

ایران و کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح^(۱)

(۱۳۱۴-۱۳۰۴ ش. / ۱۹۳۵-۱۹۲۵ م.)

مهشید لطیفی نیا

معاهده منعقد شد که طی آن، طرفین توافق کردند که به خاطر مردم، جنگ را به مدت ده سال بین خود کنار بگذارند و طی این مدت، مردم در امن و امان بسر برند... (۷)

پیش‌تر که بیایم به معاهدات صلح و ستفالی خواهیم رسید که به جنگهای خونین سی ساله مذهبی میان پروتستانها و کاتولیکها پایان داد و پس از آن، اصل موازنه (۸) سیاسی در اروپا پدید آمد که بر پایه آن، هیچ کشوری نباید در صدد تحمیل اراده خود به دیگران باشد. با صدور اعلامیه حقوق بشر پس از انقلاب فرانسه در اوت ۱۷۸۹ م. ۱۱۶۷ ش.، اصول آزادی به اروپا راه یافت و گسترش پیدا کرد. (۹)

کنگره وین، از هجدهم نوامبر ۱۸۱۴ م. ۱۱۹۳۷ ش. آغاز شد و تا نهم ژوئن ۱۸۱۵ م. ۱۱۹۴۰ ش. به طول انجامید و منجر به انعقاد عهدنامه‌های وین گردید. تعداد ۲۱۶ دولت در این کنگره شرکت نمودند؛ با وجود این، کنگره عملاً افتتاح نشد، بلکه کمیسیون ویژه‌ای در نهم ژوئن ۱۸۱۵ سند نهایی را امضا کرد. از آن پس، کنگره‌ها و کنفرانسهای متعددی در پاریس، ژنو و لاهه تشکیل شد. (۱۰) در هجدهم مه ۱۸۹۹ م. ۱۲۷۷ ش. بنا بر پیشنهاد نیکلای دوم، امپراتور روسیه، اولین کنفرانس معروف به کنفرانسهای صلح در شهر لاهه تشکیل شد و طی آن، روسیه پیشنهاد نمود تا تولید و به کار بردن تسلیحات جنگی و تعرضی، به طور آزمایشی محدود شود تا صلح جهانی برقرار گردد. تعداد ۲۶ کشور در این کنفرانس شرکت نمودند که شامل بیست کشور اروپایی، دو کشور آمریکایی و چهار کشور آسیایی از جمله ایران بود و ضمن آن، بر سه مسئله اساسی ذیل توافق حاصل شد:

- ۱- تأسیس دیوان دائمی داوری (۱۱) به عنوان مرجع صلاحیتدار برای جلوگیری از جنگ از راه اقدامات اصلاحی، میانجیگری (۱۲) و داوری.
- ۲- تهیه و تنظیم قوانین و عرفهای جنگ زمینی.
- ۳- شمول عهدنامه ۱۸۶۴ ژنو به جنگ دریایی.

دومین کنفرانس صلح لاهه نیز بنا به دعوت امپراتور روسیه، از پانزدهم ژوئن ۱۹۰۷ م. ۱۲۸۶ ش. در شهر لاهه با شرکت ۴۴ کشور جهان تشکیل شد و تا هجدهم اکتبر ادامه داشت. نخستین اثر مثبت این کنفرانس، پیوستن تعداد کثیری از کشورهای جهان به معاهدات پیشین و نیز امضای سیزده معاهده

در مارس ۱۹۸۵ در کنفرانس دهلی، بانو ایندیرا گاندی به نمایندگی از جانب هند به ریاست کشورهای غیرمتعهد (۲) برگزیده شد. او، این جنبش را بزرگ‌ترین نهضت صلح طلبانه در تاریخ توصیف کرد و برنامه آن را استقلال، آزادی و برابری ملت‌ها دانست. عبارت پایانی کنفرانس را نیز چنین اظهار داشت: "از لحاظ سیاسی، اعلام می‌داریم که در عصر جنگ افزارهای هسته‌ای، خواهان خلع سلاح، بقای بشریت و همزیستی مسالمت‌آمیز هستیم." (۳) اصولی که بانو گاندی خواهانش بود، رؤیایی است که از دیرباز هر از چندگاهی اندیشمندان در سر می‌پرورند و جهت تحقق آن، تلاشهایی صورت می‌گیرد. بتدریج دامنه این تلاشها از صورت مذاکرات و کمیسیونهای مختلف فراتر رفته، در قالب میثاق (۴) و عهدنامه جلوه گر می‌شود.

پیشینه معاهدات صلح

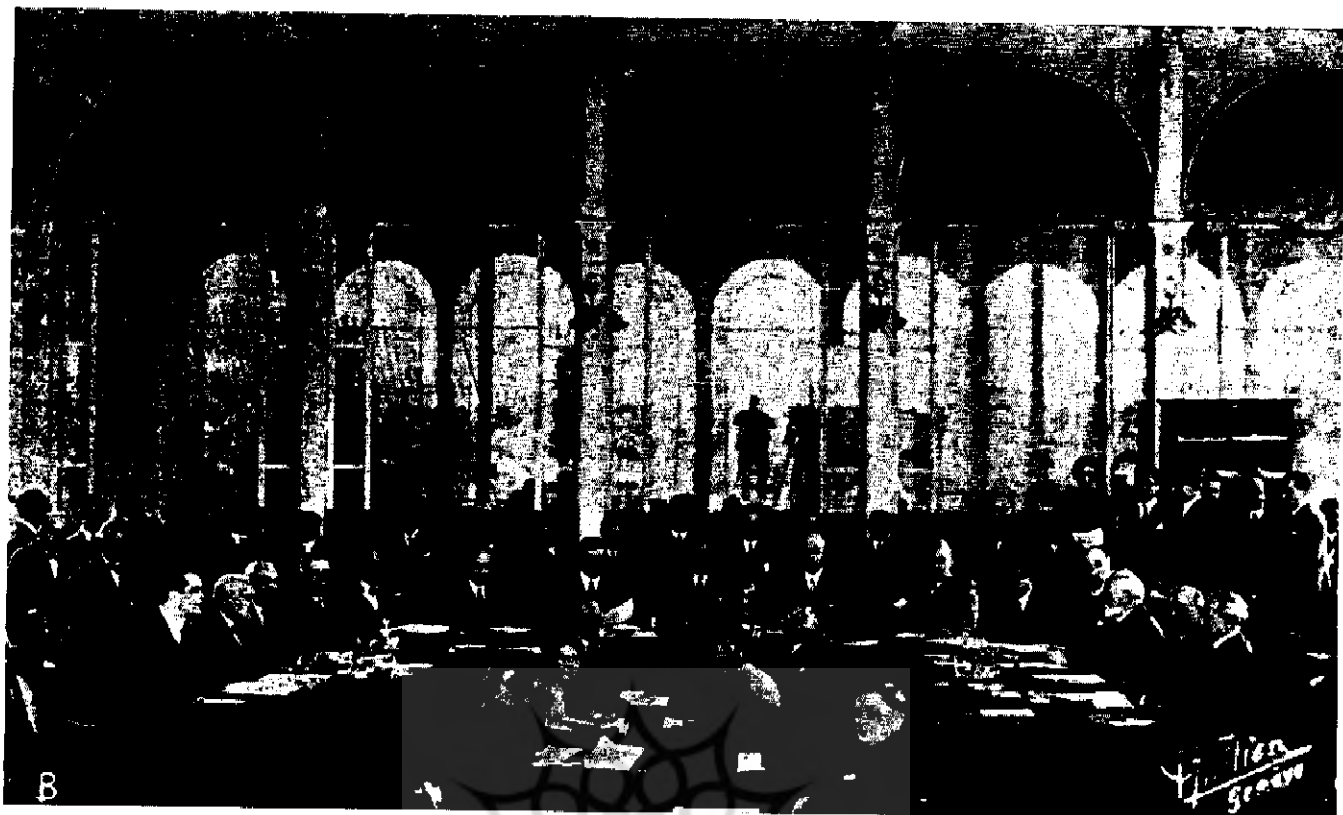
نخستین معاهدات شرق را، می‌توان در سنگ نیسته‌ای به زبان سومری یافت که مربوط به حدود ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است و اولین معاهده بین‌المللی محسوب می‌شود که میان ایناتوم، فرمانروای فاتح سرزمین مستقل لاگاش در بین‌النهرین از یک سو و نمایندگان مردم اوما، یکی دیگر از شهرهای مستقل بین‌النهرین از سوی دیگر منعقد شده است.

از دیگر معاهدات - که در زمینه صلح و خلع سلاح میان دولتها منعقد می‌شد - معاهده صلح و اتحاد میان رامنس دوم مصر و هاتوسیلی دوم قوم هیتی در ۱۲۷۸ پیش از میلاد را می‌توان نام برد که طی آن، طرفین متعهد شدند علیه دشمنان داخلی با یکدیگر مساعدت نمایند. (۵)

در یونان نیز اصول و مقرراتی که ناشی از معاهدات میان دولتها می‌شد و نیز تحکیم عهدنامه‌های صلح، ادای سوگند، احترام به اجساد کشته شدگان در جنگ و شناسایی حق پناهندگی وجود داشته است.

در دوران مسیحیت از مهم‌ترین قواعد حقوق ملل مسیحی، تأسیس دو نهاد حقوقی صلح الهی و متارکه الهی را می‌توان نام برد. (۶)

در صدر اسلام نیز از معاهده صلح "حدیبه" از مهم‌ترین معاهدات زمان پیامبر (ص) می‌توان یاد کرد. پیامبر اسلام (ص)، با نیروی ۱۴۰۰ نفری در حدیبیه - در حوالی مکه بود - اردو زدند و پس از مذاکراتی طولانی، این



جدید مربوط به جنگ و بی طرفی توسط دولتها بود. (۱۳)

جامعه ملل و خلع سلاح

هنگامی که جنگ جهانی اول ادامه داشت، نخستین بار پاپ بنوای پانزدهم، در پیام اوت ۱۹۱۷ نظریه تشکیل جامعه ملل را اعلام کرد و بعد از آن ویلسون، رئیس جمهور وقت آمریکا در هشتم ژانویه ۱۹۱۸ ضمن ارائه بیان اصولی چهاردهگانه در جهت حفظ صلح جهانی، تشکیل جامعه عمومی ملل را پیشنهاد کرد. (۱۴)

پس از خاتمه جنگ جهانی اول در ژانویه ۱۹۱۹م. ۲۹۷۷ش. کنفرانس صلح با شرکت دولتهای فاتح در پاریس تشکیل شد و پس از شش ماه مذاکره، پنج معاهده با کشورهای مغلوب در جنگ به امضا رسید، از آن جمله:

- عهدنامه ورسای با آلمان (۲۸ ژوئن ۱۹۱۹)؛

- عهدنامه سن ژرمن با اتریش (۱۰ سپتامبر ۱۹۱۹)؛

- عهدنامه نویی با بلغارستان (۲۷ نوامبر ۱۹۱۹)؛

- عهدنامه تریانون با مجارستان (۴ ژوئن ۱۹۱۹).

ميثاق جامعه ملل در بیست و هشتم ژوئن ۱۹۱۹ به تصویب دولتهای عضو در ۲۶ اصل رسید و در دهم ژانویه ۱۹۲۰م. ۱۲۹۷ش. جامعه ملل به طور رسمی تأسیس شد و دولت ایران در نهم دیماه ۱۳۰۰ش. ۱۹۲۷م. به ميثاق جامعه ملل پیوست. (۱۵)

اصل هشتم ميثاق، مواردی را جهت تحدید تسلیحات و برنامه های نظامی پیش بینی نمود و اصل نهم، کمیسیونی دائمی پیش بینی کرد تا در جهت اجرای مفاد اصول یکم و هشتم (۱۶) و مسائل نظامی، دریایی و هوایی توصیه های لازم را به شورا بنماید.

تصمیمات جامعه ملل برطبق اصل دوم ميثاق از طریق یک مجمع عمومی، یک شورا با یک دبیرخانه دائمی به موقع اجرا درمی آید.

از مهم ترین تحولاتی که ميثاق به وجود آورد، این بود که جنگ میان دولتها را به یک مسئله بین المللی تبدیل کرد. بدین معنی که جنگ، نقض صلحی به شمار می رفت که بر کل اجتماع بین المللی اثر می گذاشت. (۱۷) با تشکیل جامعه ملل، رسماً از دولت ایران دعوت شد که در جلسات مجمع شرکت کند. هیئت نمایندگی ایران متشکل از امیر ذکاءالدوله غفاری، حبیب الله شهاب و دکتر جلیل خان به ریاست ارفع الدوله در نخستین اجلاس مجمع شرکت نمودند. علیقلی خان نبیل الدوله، کاردار ایران در واشنگتن نیز به عنوان یکی از نمایندگان ایران در دو اجلاس نخستین مجمع شرکت نمود. (۱۸)

در راستای اهداف اصل هشتم ميثاق، کمیسیون موقتی مختلط کاهش تسلیحات (۱۹) در اجلاس نخست مجمع به وجود آمد و بعدها به کمیسیون مقدماتی خلع سلاح (۲۰) تغییر نام داد.

کمیسیون مختلط موقت، اصولی کلی پیشنهاد نمود که مورد قبول کلیه اعضای جامعه ملل از جمله هیئت نمایندگی بریتانیا قرار گرفت. برطبق اصول فوق، اولاً هیچ گونه طرح کاهش تسلیحات نمی توانست موفقیت به دست آورد مگر آنکه صورت عمومی داشته باشد.

ثانیاً، بسیاری از دولتها نمی توانستند به طور جدی تسلیحات قوای خود را کاهش دهند، مگر امنیت کشورشان تضمین شود.

ثالثاً، چنین ضمانتی از طریق یک قرارداد ضمانت متقابل فراهم می شد. رابعاً، از آنجا که هدف قرارداد کاهش تسلیحات بود، ضمانت آن هنگامی تحقق می پذیرفت که چنین کاهش طبق طرح عمومی انجام گرفته باشد.

این بیانیه، خط مشی چهاردهمین قطعنامه ای بود که از طرف اجلاس سوم مجمع درباره تسلیحات به تصویب رسید و سپس به قرارداد کمک متقابل "مجمع عمومی در سال ۱۹۲۳م. ۱۳۰۲ش.، پروتکل ۱۹۲۴ ژنو و عهدنامه های ۱۹۲۵ لوکارنو منتهی شد. البته طرح قرارداد فوق، تنها از حمایت کشورهای کوچک بهره مند گردید. (۲۱)

همچنان که پیش می رفت، کمیسیونهایی برگزار می شد و طرحهایی از سوی دولتها جهت کاهش تسلیحات ارائه می شد که تنها در مرحله پیشنهاد باقی می ماند و صورت اجرایی به خود نمی گرفت. مانند طرح کاهش تسلیحات واشنگتن و طرح کاهش تسلیحات روسیه، (۲۲) پروتکل حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی یا پروتکل ۱۹۲۴ ژنو از جهاتی با قرارداد کمک متقابل شباهت داشت. این پروتکل با ترکیب دآوری، امنیت و خلع سلاح، سعی داشت کلیه روابط بین المللی را تحت نظام رسمی درآورد و در مورد خلع سلاح، امضاکنندگان متعهد بودند در کنفرانس عمومی خلع سلاح - که از سوی شورا قرار بود در تاریخ دهم ژوئن ۱۹۲۵م. ۱۳۰۴ش. تشکیل شود - شرکت جویند. شورا نیز، موظف بود طرحی به منظور کاهش تسلیحات تنظیم کند. پروتکل هم پس از تصویب طرح عمومی کاهش تسلیحات از سوی کنفرانس لازم الاجرا می گردید. (۲۳)

واکنش ایران به عهدنامه سن ژرمن

کمیسیون موقتی کاهش تسلیحات، در اجلاس سوم مجمع وظیفه داشت با توجه به طرحهای ارائه شده، عهدنامه "سن ژرمن" (۲۴) را بررسی نموده، طرحی جدید ارائه دهد و نیز در این مورد با کمیسیون دائمی مشورتی نظامی مشورت نماید.

نمایندگان ایران در جامعه ملل از جمله ارفع الدوله و فروغی، هریک به نوبه خود مخالفت خود را با بند ششم معاهده سن ژرمن و نیز مغایرت آن را با اصل دهم میثاق (۲۵) اعلام نمودند.

نمایندگان ایران، استدلال می کردند: مقررات فوق ایران را - که یک کشور قدیمی و از شروع تاریخ مستقل بوده است - در حد مستعمره تنزل می دهد و ایران با توجه به ماده دهم میثاق از حاکمیت خود در سرزمین و آبهای خود دفاع خواهد کرد. (۲۶) با توجه به اعتراض نمایندگان ایران، کمیسیونهای فرعی و تجدیدنظر تشکیل گردید و کمیسیون دائمی مشورتی نظامی، نظری داد مبنی بر اینکه ایران و منطقه خلیج فارس و دریای عمان از لحاظ ورود اسلحه و مهمات، کماکان جزو منطقه ممنوعه محسوب می شوند.

ارفع الدوله، نماینده ایران با اعتراض به طرح جدید بخشی از اظهاراتش تصریح داشت: "ایران، مصمم است از تجارت غیر مجاز اسلحه به سرزمین خود کلاً جلوگیری نماید؛ اما این عمل را به عنوان یک دولت مستقل انجام می دهد نه به صورت نوعی سرزمین مستعمره ...". (۲۷)

پس از اظهارات نمایندگان ایران و مذاکرات کمیسیون، سند جدیدی که در این زمینه به امضای تعدادی از دولتها رسید، تحت عنوان "عهدنامه نظارت بر تجارت بین المللی اسلحه و مهمات و ادوات جنگی" (۲۸) در هفدهم ژوئن ۱۹۲۵م. ۱۳۰۴ش. بود که به دلیل نرسیدن به حد نصاب، لازم الاجرا نگردید و نکته ای که حائز اهمیت بسیار است، اینکه عهدنامه "سن ژرمن"، کاملاً به عهدنامه فوق منتقل شده بود. (۲۹)

* * *

ایران، از حدود سالهای ۱۳۰۲ش. ۱۹۲۳م. بارها نسبت به تردد غیر مجاز کشتیهای جنگی بریتانیا در بنادر خود، اعتراض می کرد و انگلستان، با استناد به عهدنامه ممنوعیت تجارت برده مصوب ۱۸۸۲م. ۱۲۶۷ش. - که دیگر موضوعیت نداشت - حق تفتیش و کنترل کشتیها را از آن خود می پنداشت. (۳۰) بهانه دیگر انگلستان، جلوگیری از قاچاق اسلحه بود و با این استادهای ساختگی، کشتیهای خود را در خلیج فارس مستقر می ساخت. (۳۱)

طرح پیشنهادی ایران جهت تعدیل عهدنامه

تیمور تاش، در پیش نویس طرحی که در مورد تعدیل معاهده ممنوعیت تجارت اسلحه تسلیم سفارت بریتانیا نمود، پیشنهاد کرد، بر اساس حقوق متقابل، توافقی حاصل شود به این صورت که آبهای قلمرو ایران از حوزه کنترل انگلیسیها خارج شده و حق تفتیش کشتیهای طرفین در دریای آزاد (۳۲) به کشتیهای با ظرفیت ۵۰۰ تن محدود شود که تحت پرچم کشور طرف مقابل حرکت می کردند. وزارت خارجه بریتانیا، در پاسخ به کلایو اظهار داشت: "ایران رانمی توان از حق تفتیش در آبهای بین المللی برخوردار ساخت ...". (۳۳)

در تاریخ ۱۳۰۷/۹/۱۴ش. ۱۹۲۷م. گزارشی از فروغی، نماینده اول ایران در جامعه ملل - که در موضوع کاهش سلاح در آن سازمان عنوان شده بود - به نخست وزیری ارسال گردید تا تصمیمی درباره این مسئله اتخاذ و نظر دولت ایران در این مورد رسماً اعلام شود. ظاهراً بدون اخذ تصمیم، نامه و گزارش به بایگانی سپرده شد. (سند شماره ۱)

مجدداً طرحی از سوی تیمور تاش، وزیر دربار وقت به مستر هور، وزیر مختار انگلیس در تاریخ ۱۷/۷/۲۴ تسلیم شده بود بدین شرح که:

"ماده ۱- طرفین متعاهدین، متقبل می شوند در حدود وسایل موجوده در کلیه اقدامات برای جلوگیری از تجارت غیر مشروع اسلحه و مهمات و ادوات جنگی در خلیج فارس و خلیج عمان، تشریک مساعی نمایند.

ماده ۲- در آبهای آزاد خلیج فارس و خلیج عمان، مأمورین بحری شاهنشاهی موظف خواهند بود که نظارت و تفتیش تمام کشتیهای دارای بیرق ایران را - که مورد سوءظن تجارت غیر مشروع اسلحه و مهمات و ادوات جنگی واقع شوند - بنمایند.

همچنین مأمورین بحری انگلیس، موظف خواهند بود که در آبهای آزاد خلیج فارس و دریای عمان نظارت و تفتیش تمام کشتیهایی که مورد سوءظن تجارت غیر مشروع اسلحه و مهمات و ادوات جنگی واقع می شوند، بنمایند به استثنای کشتیهایی که بیرق ایران را دارا هستند.

ماده ۳- طرفین متعاهدین، موافقت دارند در آبهای ساحلی - که وسعت آن هفت کیلومتر است - حق نظارت و تفتیش هر کشتی، صرف نظر از ملیت آن، منحصرأ مخصوص مأمورین مملکتی است که مالک آن آبهای ساحلی است.

ماده ۴- طرفین متعاهدین، موافق هستند که خلیج فارس و خلیج عمان جزو منطقه مخصوص بر طبق ماده ۱۲ "قرارداد ژنو مورخ هفدهم ژوئن ۱۹۲۵ مربوط به نظارت تجارت بین المللی اسلحه و مهمات و ادوات جنگی" - که از طرف دولت شاهنشاهی شناخته نشده - نبوده است و هیچگونه رژیم مخصوص شامل دو خلیج مزبور نشود.

ماده ۵- قرارداد به دو نسخه به زبان فرانسه تنظیم و هر چه زودتر به تصویب

خواهد رسید و اسناد مصدق در تهران مبادله خواهد شد و تا پنج سال از تاریخ تصویب، اعتبار خواهد داشت و چنانچه شش ماه قبل از مدت پنج سال فسخ نشود، به خودی خود ادامه حاصل کرده و بعد در هر موقع به شرط اینکه سه ماه قبل اطلاع داده شود، قابل فسخ است. تمام مواد این قرارداد، به استثنای ماده ۴، در صورت فسخ از اعتبار خواهد افتاد. (۳۴)

طرحی نیز در همین زمینه از سوی سرهنگ ریاضی ارائه شد که خلاصه آن چنین است:

در خلیج فارس و خلیج عمان تفتیش کشتیهایی که دارای بیرق ایران باشند، بدون رعایت ظرفیت آنها، با قوای بحری شاهنشاهی است و تفتیش کشتیهایی که دارای بیرق انگلیسی باشند، بدون رعایت ظرفیت آنها، با قوای بحری انگلیسی است.

دولتین، باید به کشتیهایی کم تر از پانصد تن خود جواز رسمی بیرق بدهند. نسبت به کشتیهایی کم تر از پانصد تن دول ثالث و یا کشتیهایی که دارای هیچ بیرقی نیستند، نظارت و تفتیش به عهده کشتیهایی جنگی ایران و انگلیس هر دو خواهد بود.

حق نظارت نسبت به کشتیهایی که دارای جواز رسمی هستند، منحصر به تفتیش بیرق است لا غیر. در آبهای ساحلی، تفتیش کامل کلیه کشتیهایی به عهده دولت مالک آن آبهای ساحلی خواهد بود. (۳۵)

تلاش مجدد جهت تعدیل عهدنامه

در تاریخ ۱۳۱۲/۷/۱۹ ش. ۱۹۳۳م. انوشیروان سپهبدی، نماینده ایران در ژنو، مأموریت یافت تا مذاکراتی با مأموران انگلیس انجام دهد؛ بدین مضمون که در خصوص خلیج فارس و خلیج عمان، نظر دولت ایران بر این است که سعی شود انگلیسیها متقاعد شوند با خروج آنها از منطقه مخصوص به عقد قرارداد بین دو دولت موافقت کنند و اگر شناسایی سایر دولتها را لازم بدانند، می توان به سایر دولتها اعلام کرد و عدم اعتراض آنها، به منزله شناسایی خواهد بود و در خصوص خلیج فارس و دریای عمان، گذاشتن این دو منطقه جزو منطقه مخصوص، خلاف اصل دریای سرزمینی (۳۶) است و جواب ایران منفی است. (سند شماره ۲/۳۷)

در پی این مأموریت، سپهبدی در تاریخ ۱۳۱۲/۲/۴ در لندن با سر جان سایمون ملاقات کرد و ضمن پاره ای مذاکرات اظهار داشت که: "... دولت ایران امیدوار است دولت انگلیس از تعقیب سیاست ۱۹۲۵ خود در مورد آبهای خلیج فارس خودداری کند. وی، همچنین تأکید کرد: "در طرح قرارداد مابین ایران و انگلیس، تفتیش و نظارت کشتیهایی که پرچم ایران را دارا می باشند و در آبهای خلیج فارس و دریای عمان سیر می کنند و مظنون به حمل و نقل غیر قانونی اسلحه می باشند، بر عهده بحریه ایران خواهد بود؛ ولی کشتیهایی که بیرقی غیر از بیرق ایران داشته باشند، نظارت و تفتیش آنها بر عهده انگلیس خواهد بود. (۳۸)

وزارت خارجه انگلیس، در پاسخ طی نامه ای خطاب به حسین علاء، مخالفت خود را با طرح سپهبدی و تغییرات انجام شده در آن اعلام نمود. (۳۹)

در این میان، تصمیم نهایی دولت در این باره مشخص نبود؛ چنانکه حسن تقی زاده، طی نامه ای به وزارت امور خارجه در ۱۳۱۲/۷/۲۳ اظهار داشت: از مراجعه به دوسیه خلع سلاح و مذاکرات مربوط به خلیج فارس، ملاحظه شد

که اولیای دولت، جواب روشنی هنوز در باب تکلیف و پیشنهادهای راجع به خلیج فارس نداده اند و عدم تعیین تکلیف قطعی در صورت انعقاد انجمن مزبور، موجب بروز اشکالات برای نمایندگان دولت علیه می شود. آنچه پس از تأمل به نظر می رسد، آن است که برای حفظ اصول و رعایت حیثیت دولت ما، باید اصولاً تساوی کامل حقوق بخواهیم؛ یعنی اگر انگلیسیها در موضوع تفتیش کشتیهایی کوچک تر از پانصد تن ظرفیت برای خود حقی قائل شوند، ما نیز عیناً آن حق را داشته باشیم و اگر تفتیش اوراق مربوط به استعمال بیرق ایرانی بخواهند بکنند، ما هم همین کار را نسبت به کشتیهایی انگلیسی باید حق داشته باشیم به عمل بیاوریم و به نظر اینجانب، نتیجه این تساوی به قرار ذیل می شود:

۱- در صورتی که انگلیسیها حق پیدا کنند که نسبت به کشتیهایی کوچک تر از پانصد تن ایرانی تقاضای تفتیش هویت بیرق نمایند، دولت ایران نیز باید حق داشته باشد کشتیهایی کم تر از پانصد تن انگلیس را نسبت به بیرق آنها تفتیش هویت و حق استعمال بیرق را بنماید.

۲- در صورتی که دولت انگلیس حق پیدا کند کشتیهایی کم تر از پانصد تن دولت ثالث را در باب حمل اسلحه تفتیش نماید، دولت ایران هم باید همین حق را نسبت به آنها داشته باشد.

۳- نسبت به کشتیهایی بومی سواحل خلیج فارس و غیر از ایران و عراق، اگر دولت انگلیس حق تفتیش اسلحه داشته باشد، دولت ایران نیز باید داشته باشد و نباید آنها کشتی انگلیسی فرض شود که فقط نسبت به بیرق آنها تفتیش به عمل آید و اگر هم حامل بیرق انگلیس باشد، نباید این حق را برای آنها اصولاً شناخت. تنها می توان در صورت اصرار حضرات، فرمولی پیدا کرد که به این وسیله، به طرز غیر مستقیم مالکیت انگلیس را در آن سواحل شناخته باشیم و لو آنکه در عمل حقیقی برای مراقبت انگلیس داده باشیم.

۴- خلیج فارس و بحر عمان، باید از منطقه ممنوعه خارج شود. اما در باب کشتیهایی بزرگ، به عقیده اینجانب هیچگونه حقی اصولاً نسبت به تفتیش آنها یا تفتیش بیرق نباید قائل شد و لو آنکه در عمل فعلاً به صرفه ما نباشد؛ چه عهدنامه مدت خواهد داشت و بعدها تغییر می یابد و اساساً قبول کردن چنین اساسی برای کشتیهایی بزرگ در خلیج فارس، مقتضی به نظر نمی آید؛ گذشته از آنکه انگلیسیها هم تصور نمی شود قبول نمایند. ...

در پایان، تقی زاده تعیین تکلیف صریح و فوری موضوع را از سوی دولت خواستار شده بود. (۴۰)

حاکمیت خلیج فارس، متعلق به ایران است

ابوالحسن فروغی، نماینده ایران در جامعه ملل، راجع به قرارداد همکاری با دولت انگلیس در خلیج فارس، پس از انجام مذاکراتی با تقی زاده و سرهنگ ریاضی و استعلام نظرات ایشان در تاریخ ۱۳۱۲/۷/۱۲ پیش از آنکه به پاریس مراجعت نماید، گزارشی بدین شرح به نخست وزیر ارسال داشت:

"... جناب آقای تقی زاده، این نظر را به طور کلی اظهار داشته که چون این اواخر دولت انگلیس، مایل به حل و تنویر قضایای معوقه بین آن دولت و ایران می باشد، معلوم می شود صرفه خود را در این می بیند که قضایای مزبور زودتر حل شود... و در چنین صورتی تعجیل بر حل قضایا، مطابق صلاح دولت ایران نیست. بنده چون در جریان امر نبوده ام، اولاً نمی توانم بدانم انگلیسیها تا چه حد در حل اختلافات اصرار دارند؛ ثانیاً در صورتی که

اصرار داشته باشند، دو فرض می‌توان نمود؛ یکی اینکه طالب تصفیه باشند از این نظر که در صورت تأخیر به واسطه قوت گرفتن ایران احتمال خطر برای آنها برود، در این صورت می‌توانیم ضرر آن را نفع خود محسوب داریم. دیگر اینکه عجله آنها در تصفیه امور مربوط به احتمال پیشامدهایی باشد که برای دولتین ایران و انگلیس هر دو ضرر داشته باشد. بنابراین آنچه مسلم و مقطوع است، این است که قبل از تصمیم باید موضوع را به دقت مطالعه نموده، صرفه واقعی ایران را در نظر گرفت. لہذا راجع به امر خلیج [فارس] نیز، این اندازه مسلم و مقطوع می‌باشد که اگر ضرورت قرارداد قطعی و ثابت دانسته شود، بهتر است قرارداد مزبور به طور مستقل و غیر مربوط به سایر قضایای معوقه صورت گیرد.

حال می‌توان گفت: مذاکره در امر خلیج [فارس] او حل این قضیه، قبل از اینکه موضوع به طور کلی در کنفرانس خلیج مطرح شود، به دو علت ضرورت دارد؛ علت عمده پیشنهاد سابق ماست که به دولت انگلیس داده شده. چه اگر مطابق آن پیشنهاد، کشتیهای ما و تفتیش سایر کشتیها عموماً به عهده دولت انگلیس واگذار گردد، در واقع اختیار خلیج فارس بکلی به انگلیسها داده می‌شود و این مسئله، منافی منافع و حیثیت ما خواهد بود و اگر طرح چنین پیشنهادی از طرف دولت ایران در دست انگلیسها بماند، ممکن است در موقع از قسمتی که به ضرر ماست، استفاده کنند و از قسمتی که به نفع ماست، چشم پوشی نمایند.

علت دیگر که فرض می‌شود، این است که اگر ما و انگلیسها قبل از تشکیل کنفرانس موافقت حاصل ننموده باشیم، شاید در کنفرانس صورتی پیش آید که قطعاً مخالف مصالح ما باشد و اگر چه در آن موقع اعتراض نموده، از کنفرانس هم خارج شویم، شکی نیست که برای ما اسباب زحمت فراهم خواهد بود.

۲- راجع به تعیین یا عدم تعیین ظرفیت کشتیها، پس از مذاکرات این طور به نظر می‌آید که عدم تعیین ظرفیت و تعمیم تفتیش به تمام کشتیها، هم غیر عملی و هم مخالف حیثیت طرفین است؛ زیرا تفتیش هر کشتی یارسیدگی به جواز بیرق هر کدام مقرر شود، برای کشتی ای است که ظن قاچاق بر آن برود و ممکن است در هویت آن شبهه نمایند و تعمیم این سوءظن به کشتیهای بزرگ طرفین خوشایند نخواهد بود و منافی حیثیت و اعتبار دفاتر ثبت دولت و صورتی است که از کشتیهای ثبت شده، داده می‌شود. این فرض را هم که ما کشتی بزرگ نخواهیم داشت، نباید به نظر آورد؛ چه اولاً یقین نیست که در مدت دوام قرارداد پیدا نکنیم یا از کشتیهای متعلق به رعایای ایران - که فعلاً در دریاهای دیگر کار می‌کنند - متوجه خلیجین [فارس] - عمان [نشود]؛ ثانیاً محسوس خواهد شد که نظرات ما روی این خیال است که کشتی بزرگ نداریم و نخواهیم داشت و این نیز خلاف حیثیتی است که می‌خواهیم در آتیه داشته باشیم.

آقای سرهنگ ریاضی هم، در یادداشتی برای هیئت نمایندگی، این موضوع را به طرز ذیل بیان نموده اند که: "اینکه می‌فرمایند (۴۱) در صورتی که انگلیسها اصرار به تفتیش هویت بیرق نمایند، تقاضا شود بدون رعایت ظرفیت متقابلاً تفتیش به عمل آید؛ باید در نظر داشت که این عهدنامه ذوجنبتین (۴۲) وقتی برای طرفین مفید می‌باشد که حق تفتیش بیرق دول ثالث را - که اعراب سواحل جنوبی خلیج فارس نیز جزو آن می‌باشند - داشته باشیم و بنابراین بایستی به وسیله پروتکل علیحده، این عهدنامه توسط دیگران نیز

شناخته شود.

به عبارت اخرا، علاوه بر اینکه بحریه ایران متقابلاً حق تفتیش سفاین ۵۰۰ تنی انگلیسی را خواهد داشت، از سفاین ۵۰۰ تنی دیگران نیز می‌تواند جواز مطالبه نماید و این مسئله، به صرفه ماست. حال با برداشتن قید ظرفیت بالفرض انگلیسها با شرط متقابل آن را مقبول کنند، چون جهت دریا بین المللی است، خیلی بعید به نظر می‌آید دیگران آزادی خود را سلب نموده، قبول کنند هر کشتی آنها را در وسط دریا حق داشته باشیم توقیف نموده، جواز بخواهیم و در صورت امتناع آنها، چنین عهدنامه مفهومی نخواهد داشت؛ زیرا ضدیت با بیرق دیگران می‌شود و قاچاقچیها نیز بیرق دول ثالث را ممکن است برافرازند.

۳- چون امر ضروری و فوری باالاصاله استرداد پیشنهاد سابق است، در تلگراف امروز استدعا نمودم که به طور مقدمه و به عنوان اینکه اعتراض انگلیسها بر بعضی مقررات پیشنهاد مزبور، موجب تغییر نظری برای خود ما شده، می‌خواهیم داخل مذاکره جدیدی مبنی بر اساس دیگر شویم؛ اقدام به استرداد آن پیشنهاد فرمایند. پس از انجام این مقصود، قسمت مهم از داعی ما بر مذاکره مرتفع می‌شود و در صورتی که مناسبات اقتضای تعقیب جدی مذاکره را نمایند، می‌توان هر طور که صلاح بدانند آن را به تعویق انداخت. به این سبب که بنده فی الواقع کار ضروری جز استرداد پیشنهاد سابق که بی سبب از طرف ما خلیج را به انگلیس بخشیده نمی‌بینم و اصل این رامی دانم که دو خلیج بدون قیدی از منطقه ممنوعه خارج و تحت قواعد بین المللی جاری در دریاهای آزاد باشد و باید هر دولتی که مجاور آن است، در آبهای ساحلی خود سعی وافی در امنیت آن آنها نموده، از قاچاق و تجارت غیرقانونی اسلحه جلوگیری کند. فقط در صورتی مجبور به بستن قرارداد ذوجنبتین با انگلیسها خواهیم بود که انگلیسها - چنانکه گفته می‌شود - از تحدیدی در تجارت اسلحه در دو خلیج به هیچ وجه صرف نظر نمایند و اگر به وسیله قرارداد ذوجنبتین این امر را طوری تصفیه نکنیم که موافق صلاح خودمان باشد، می‌تواند ترتیب مضری در این خصوص با مشکلات بزرگ برای ما پیش آرند."

بنده شخصاً چون سابقه کافی در این امر ندارم، از این حیث نمی‌توانم رأی اظهار کنم و در سهم مأموریت خود از این جهت بدون اظهار نظر و قبول مسئولیتی تابع مرکز خواهم بود؛ اما در صورت امر و تصویب مذاکره نیز چون به هر حال ما به وسیله قرارداد ذوجنبتین برای انگلیسها در خلیج [فارس] حقی زاید بر قواعد عمومی بین المللی خواهیم شناخت، صرفه و منظوری را که باید کوشش در حصول آن داشته باشیم، این می‌دانم که در عوض این حق که برای انگلیسها شناخته خواهد شد، به وسیله قرارداد قابل تعمیم به شکل پروتکل (۴۳) بر عموم ممالک ما هم در جهت دریا، حق نظارت به طور برابری با انگلیسها (لااقل در عنوان ظاهر) حاصل کرده، اثبات یک حق اختصاصی را برای دولت ایران در خلیج [فارس] کرده باشیم و این یکی از موجبات نظر بنده بر عدم قید ظرفیت است، چه اگر یک چنین مقصودی قابل حصول گردد، منحصرآدر صورتی خواهد بود که تعلق آن به کشتیهای کوچک مصرح باشد.

۴- چون در دستورهایی که تا به حال رسیده، تصریح نکرده اند که مأمور مذاکره کیست و در کجا مذاکرات باید از طرف این نمایندگی صورت گیرد، لازم است که مراسم معرفی بنده به اولیای امور انگلیسی، به وسیله سفارت شاهنشاهی در لندن و سفارت انگلیس در تهران صورت گیرد... (۴۴)



خلع سلاح مورخ دهم آوریل ۱۹۳۴ انتخاب و اعزام گردیدند. (۴۶)
 از تقی زاده، یکی از نمایندگان ایران در کنفرانس، گزارشی در دست
 است که به بیان شرح مهمانها، خوشوقتیها و بعضاً مذاکرات وی با مقامات
 انگلیس در خصوص دوستی فی مابین می پردازد. (۴۷)
 باتوجه به شرایط جهانی آن روزگار و خروج آلمان و در پی آن ژاپن از
 جامعه ملل، لازم می نمود هر دولتی صراحتاً عقاید خود را در مورد کنفرانسها
 و پروتکل ضمیمه در مورد خلع سلاح اعلام دارد. مخالفت ایران با قرارداد
 - ۱۹۲۵ چنانکه گفته شد - در زمینه حذف خلیج فارس و دریای عمان از
 مناطق مخصوص قید شده در قرارداد ۱۹۲۵ بود.

نتیجه اقدامات

با خروج آلمان و ژاپن از جامعه ملل و کنفرانس، جهان وارد مرحله
 جدیدی از تهدید صلح و وحشت از جنگی جهانگیر گشته بود. آلمان، معتقد
 بود که چنانچه در مورد کاهش تسلیحات تصمیم گرفته شود، باید همه
 دولتهای عضو جامعه، آن را رعایت نمایند نه اینکه زرادخانه های مملو از
 سلاح خود را به حالت آماده باش قرار دهند و دولتهای کوچک را تهدید
 نمایند. (۴۸)

در این میان کمپانیهای اسلحه سازی، از راه برافروختن و تداوم جنگ
 بسیار ثروتمند شده بودند. هر از چند گاهی در جهت مدرنیته کردن سلاحهای
 انبار شده، انبوهی از سلاحهای فرسوده بر سر گروهی از مردم در گوشه های
 مختلف جهان می بارید و از دیگر سو، بازار معاملاتی جدیدی روزافزون
 می یافت. (۴۹)

سرانجام کنفرانس خلع سلاح جامعه ملل، به رغم تلاشهای همه جانبه،

از سوی دیگر انوشیروان سپهبدی، مجدداً آموریت یافت با نمایندگان
 انگلیس به مذاکره پردازد. دستورالعملی که مذاکرات می بایست بر مبنای آن
 صورت می گرفت از این قرار بود: «در خصوص خلیج فارس و خلیج عمان،
 نظر دولت بر این است که سعی شود انگلیسها را متقاعد کنیم با خروج آنها از
 منطقه مخصوص، به عقد قرارداد بین دولتین موافقت کنند و اگر شناسایی
 سایر دول را لازم بدانند، می توان جواب داد قرارداد بین الاثنین را ممکن است
 به سایر دول ابلاغ کنیم. عدم اعتراض آنها به منزله شناسایی خواهد بود و نیز
 می توان هر دولتی را - که مایل بود - شریک در قرارداد کرد. اگر به این ترتیب
 حاضر نشوند، هر چند وجود منطقه مخصوص مخالف آزادی دریا است،
 برای دوستی با انگلیس حاضر می شویم بحر احمر و خلیج عدن در منطقه
 مخصوص باشد و اگر شمول سواحل عربستان را در خلیج فارس لازم بدانند،
 ممکن است موافقت کنیم آبهای ساحلی عربستان هم تا سرحد عراق جزو
 منطقه مخصوص بماند. اگر به این هم قناعت نکنند و اصرار داشته باشند تمام
 خلیج فارس و عمان جزو منطقه مخصوص باشد، دولت ایران این فقره را
 منافی حقوق حقه خود می داند و نمی تواند زیر بار برود و ناچار خواهد بود
 از کنفرانس خلع سلاح خارج شده، اعلان کند هر تصمیمی بدون رضایت
 ایران گرفته شود، چه در باب خلیج فارس چه در سایر مسائل نسبت به ایران
 «کان لم یکن» خواهد بود، اینجا با وزیر مختار انگلیس مذاکره خواهد شد.
 جنباعالی هم لازم است فوراً به لندن رفته، در این زمینه با دولت انگلیس مذاکره
 و خاطر نشان نماید که اگر این موافقت را بکنند، برای حسن مناسبات خیلی
 مفید خواهد بود. (۴۵)

حسن تقی زاده، ابوالحسن فروغی و سرهنگ ریاضی نیز در تاریخ ۱۳۱۳/۷/۲۱
 ۱۳۱۳ ش. ۱۹۳۴م. به عنوان هیئت نمایندگی ایران، جهت شرکت در کنفرانس

در یازدهم ژوئن ۱۹۳۴م. ۱۳۱۲۷ش. تعطیل شد و عهدنامه هفدهم ژوئن ۱۹۲۵ نیز به دلیل نرسیدن به حد نصاب، هیچگاه عملی نشد. (۵۰)

* * *

در حال حاضر قطعنامه‌ها و معاهداتی چند در زمینه احترام به حق حاکمیت کشورها با توجه به اصل حسن نیت و عدم سوء استفاده از حق (۵۱) (قدرت) به انجام رسیده است.

اعتماد و اطمینان، حق را از دو صفت قابل پیش بینی بودن و ثبات برخوردار می‌سازد. از همین رو قطعنامه شماره ۲۶۲۵ بیست و پنجمین اجلاس سازمان ملل متحد (۲۴ اکتبر ۱۹۷۰م. ۱۳۴۹ش.) - که به اتفاق آرا به تصویب رسید - مقرر می‌دارد: هیچ دولتی حق مداخله مستقیم یا غیر مستقیم در امور داخلی و یا خارجی دولت دیگر را ندارد. مداخله مسلحانه و سایر انواع مداخلات یا تهدیدات علیه شخصیت یک دولت یا اجزای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن، تجاوز به حقوق بین الملل محسوب می‌شود. (۵۲) از اعلامیه‌ها و قراردادهای بین المللی در جهت کاستن از خشونت‌ها و ضایعات عظیم جنگ و ممنوعیت کشتارهای جمعی، به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- اعلامیه شانزدهم آوریل ۱۸۵۶م. ۱۲۲۵ش. پاریس در مورد جنگ دریایی.

- عهدنامه بیست و دوم اوت ۱۸۶۴م. ۲۲۳۱ش. ژنو، مربوط به حمایت از مجروحان، بیماران و کادر بهداشتی.

- اعلامیه بیست و نهم نوامبر ۱۸۶۸م. ۱۲۴۷ش. سن پترزبورگ، در مورد ممنوعیت استفاده از برخی سلاحها.

- عهدنامه ۱۹۰۴م. ۱۲۹۳ش. لاهه در مورد بیطرفی کشتیهای بیمارستانی.

- عهدنامه ۱۹۰۶م. ۱۲۹۵ش. مربوط به حمایت از بیماران و مجروحان جنگی.

- عهدنامه‌های ۱۹۰۷م. ۱۲۹۶ش. لاهه که عبارت از ۱۳ قرارداد می‌باشد؛ ده قرارداد آن مربوط به جنگهای زمینی و سه قرارداد مربوط به جنگهای دریایی است.

- عهدنامه ششم فوریه ۱۹۲۲م. ۱۳۰۷ش. واشنگتن، مبنی بر عدم استفاده از زیر دریایی و تهدید سلاحهای دریایی و از جمله محدود کردن کشتیهای جنگی.

- پروتکل هفدهم ژوئن ۱۹۲۵م. ۱۳۰۴ش. ژنو، در زمینه منع استعمال گازهای خفغان آور، سمی و یا مشابه آنها و مواد میکروبی.

- پیمان صلح یا کلوگ - بریان (پاریس) ۱۹۲۸م. ۱۳۰۷ش. پیمان تحریم جنگ.

- پروتکل‌های ۱۹۷۷ (دو پروتکل) که به عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو الحاق گردید که اولین آن مربوط به جنگهای مسلحانه بین المللی و دومی، جنگهای غیر بین المللی است و تا سال ۱۹۸۱ به تصویب ۱۷ کشور رسید.

- عهدنامه مورخ دهم آوریل ۱۹۸۱ در مورد منع یا محدودیت استفاده از برخی سلاحهای کلاسیک که می‌توانند منجر به صدمات جبران ناپذیر و یا اثرات نامشخص گردند. این عهدنامه، سه پروتکل در زمینه تشعشعات هسته‌ای در بدن انسان، استعمال مین و تله‌های انفجاری، استفاده از سلاحهای آتشزایه دنبال دارد.

- قراردادهای مربوط به منع یا تهدید سلاحهای هسته‌ای: (۵۳)

الف - قرارداد پنجم اوت ۱۹۶۳م. ۱۳۴۲ش. مسکو، در منع آزمایشهای هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر دریاها.

ب - قرارداد بیست و هفتم ژانویه ۱۹۶۷م. ۱۳۴۵ش. در مورد اصول حاکم بر فعالیت کشورها.

ج - قرارداد اول ژوئیه ۱۹۶۸م. ۱۳۴۷ش. در مورد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای.

د - قرارداد یازدهم ژانویه ۱۹۷۱م. ۱۳۴۹ش. در زمینه منع استقرار سلاحهای هسته‌ای و دیگر سلاحهای انهدام دسته جمعی در کف و زیر کف دریاها و اقیانوسها.

ه - قرارداد دهم آوریل ۱۹۷۱م. ۱۳۵۰ش. در مورد منع ساخت، تولید و انباشت سلاحهای میکروبی یا سمی و انهدام انبارهای موجود.

و - قرارداد بیست و ششم مه ۱۹۷۲م. ۱۳۵۷ش. در زمینه محدود کردن سلاحهای استراتژیک اتمی (سالت ۱).

ز - قرارداد ولادی وستک، بیست و چهارم نوامبر ۱۹۷۴م. ۱۳۵۲ش. در مورد محدود کردن سلاحهای هسته‌ای (سالت ۲). (۵۴) و ...

در پایان، بی‌مناسبت نیست به نقل قولی از خانم مری رابینسون، کمیسر عالی حقوق بشر برادزیم، او، به مناسبت پنجاهمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین گفت: "در این پنجاهمین سالگرد، موردی برای جشن گرفتن، تبریک گفتن و خوشحالی کردن وجود ندارد. ما، نمی‌توانیم ادعا کنیم که طی این پنجاه سال فعالیت در زمینه حقوق بشر، دستاورد قابل توجهی در کم کردن موارد نقض حقوق بشر داشته‌ایم. در همین دهه، دوبار شاهد کشتار دسته جمعی علیه صدها هزار افراد انسانی بوده‌ایم ... و هیچ اعتنایی به اسناد حقوق بشر و حقوق بشر در دوستانه بین المللی نمی‌شود. صدها میلیون نفر در فقر شدید به سر می‌برند. میلیونها کودک به خاطر نداشتن آب سالم و یا ابتلا به بیماریهایی که قابل پیشگیری هستند، می‌میرند ...". (۵۵)

پی‌نوشتها:

۱- International Conference of Disarmament.

۲- non-alignment، عدم تعهد، خودداری دولتها از پیوستن به یکی از دو گروه بندی بزرگ و متضاد قدرت. کنفرانس کشورهای غیر متعهد در ۱۹۶۱ با شرکت ۳۵ کشور در بلگراد تشکیل شد. رک. فرهنگ اندیشه نو، ویراستار: پاشایی، انتشارات مازنیار، ۱۳۶۹، ص ۵۴۵

۳- جهان صلح، جهان گرته، نوشته ویلی برانت، ترجمه هرمز همایونیور، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۸۶

۴- Pact, Covenant، معاهده‌ای است که در جهت حفظ صلح و یا به خاطر همکاری بین کشورها امضا می‌شود، مانند میثاق جامعه ملل، میثاق بریان کلوگ. رک. حقوق بین الملل عمومی، دکتر سید جلال الدین مدنی، انتشارات پایدار، ۱۳۷۷، صص ۲۷۰ و ۲۷۱

۵- حقوق معاهدات بین المللی، دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ص ۱ و ۲.

۶- همان، صص ۲۰-۲۸.

۷- سلوک بین المللی دولت اسلامی: محمد حمیدالله، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۳۱۰ الی ۳۱۴

۸- Political Balance.

۹- حقوق معاهدات بین المللی، دکتر ضیایی بیگدلی، صص ۳۲ الی ۳۴.

۱۰- همان، صص ۳۷.

۱۱- Permanent Court of Arbitration (P.C.A) بر اساس یکی از معاهدات کنفرانس صلح لاهه به وجود آمد و در هجدهم اکتبر ۱۹۰۷ تجدیدنظر و تکمیل گردید؛ از پیش از ۱۶۰ عضو تشکیل شده است، هر کشور عضو حق انتخاب ۴ داور را به مدت ۶ سال

داراست و این داوران، در معرفی نامزدهای قضاوت در دیوان بین المللی دادگستری
نقل تعیین کننده ای دارند. ر. ک: حقوق بین المللی عمومی (اچاب ۱۸)، دکتر ضیایی
بیگلدی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۲۵۰.

۱۲- Mediation اقدامات قدرت ثالث برای ایجاد تفاهم و توافق بین دو کشور در حال
اختلاف است. خصوصیت اصلی آن، اختیاری بودن آن است. ر. ک: همان، ص ۴۴۲.

۱۳- همان، صص ۲۹-۳۸.

۱۴- همان، صص ۴۲-۴۱.

۱۵- تاریخ جامعه ملل: اف. پی. والترز، فریدون زندفرد، انتشارات آموزش انقلاب
اسلامی، ۱۳۷۲، صص ۴۲ و ۴۳ و نیز ص ۵۴۷ به بعد.

۱۶- اصل هشتم: ۱- اعضای جامعه ملل تصدیق می کنند که حفظ صلح، مستلزم آن است
که تجهیزات نظامی ملی به پایین ترین سطحی که با امنیت ملی و ایفای تعهدات
مشترک بین المللی سازگاری دارد، کاهش یابد. ۲- شورا با توجه به وضع جغرافیایی
و اوضاع و احوال هر دولت، طرحهایی برای کاهش تسلیحات جهت بررسی و اقدام
دولتها تنظیم خواهد کرد. ۳- این طرحها حداقل هر ده سال یکبار باید مورد تجدیدنظر
و بررسی قرار گیرند. ۴- پس از پذیرش طرحهای کاهش تسلیحات از سوی دولتها،
از محدودیتهای تسلیحاتی تعیین شده در آنها بدون رضایت شورائی توان تجاوز
کرد. ۵- اعضای جامعه ملل توافق دارند که تهیه مهمات و ادوات جنگی از سوی
کارخانجات خصوصی، محل ایراد اساسی است. شورا باید در نظر گرفتن نیازمندیهای
آن دسته از دولتهای عضو که خود قادر به تهیه مهمات و ادوات جنگی برای حفظ
امنیتشان نیستند، برای جلوگیری از تهیه مهمات و ادوات جنگی زائد، توصیه های
لازم را خواهد کرد. ۶- اعضای جامعه ملل متعهد می شوند که اطلاعات مربوط به
میزان تسلیحات و برنامہ های نظامی، دریایی، هوایی و نیز وضع آن دسته از صنایع
خود را که ممکن است برای مقاصد جنگی مورد استفاده واقع شوند، به نحوی کامل
و صادقانه با یکدیگر مبادله کنند.

۱۷- مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی ج.ا.ا، شماره ۸، بهار تابستان ۶۶
، مقاله مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل، نوشته طاهر سری و دیگران، زیر نظر دکتر
ممتاز.

۱۸- ایران و سازمانهای بین المللی: دکتر سید داود آقایی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی،
۱۳۸۱، صص ۶۰ و ۶۱.

۱۹- Preparatory commission for the disarmament conference.

۲۰- Temporary Mixed commission for the Reduction of Armaments. (T.M.C)

۲۱- تاریخ جامعه ملل، صص ۱۵۹ الی ۱۶۲.

۲۲- Treaty of Mutual Assistance.

۲۳- ایران و جامعه بین الملل: فریدون زندفرد، نشر شیرازه، ۱۳۷۷، صص ۱۰۹-۱۰۷.

۲۴- Convention for the Control of the Trade In Arms and Ammunition, and Protocol, ۱۹۱۹.

عهدنامه کنترل و تجارت اسلحه و مهمات ۱۹۱۹ که در دهم سپتامبر ۱۹۱۹م. ۱۲۹۷ش.
در سن ژرمن پاریس به امضای رسید. به موجب ماده ۶ این عهدنامه، دولتهای امضا
کننده متعهد بودند طبق مفاد عهدنامه از ورود اسلحه و مهمات فاقد پروانه خاص -
که با نظارت بین المللی همراه بود- به برخی سرزمینها صمانعت کنند. همچنین از
ورود و حمل و نقل اسلحه و مهمات به مناطق دریایی مشخص شده در عهدنامه
جلوگیری نمایند. بند دوم ماده ۶ عهدنامه، ایران را جزو مناطق ممنوعه محسوب
داشته بود؛ بدین نحو که ممنوعیت خرید و حمل اسلحه و مهمات، هم شامل سرزمین
ایران می شد و هم منطقه دریایی خلیج فارس را در مسیر قسمت شرقی سرحدات
ایران در خلیج عمان دربرمی گرفت. ر. ک: ایران و جامعه ملل، فریدون زندفرد،
انتشارات شیرازه، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.

۲۵- اصل دهم - اعضای جامعه ملل متعهد می شوند که تمامیت ارضی و استقلال
سیاسی کنونی کلیه اعضای جامعه ملل را محترم بشمارند و از آنها علیه تجاوز خارجی
مراقت نمایند. در صورت وقوع چنین تجاوزی یا تهدیدی به آن یا خطر وقوع آن، شورا
در مورد چگونگی ایفای این تعهد اعضا، توصیه های لازم را ارائه خواهد کرد.

۲۶- ایران و جامعه ملل، صص ۱۲۳-۱۲۲.

۲۷- همان، صص ۱۲۴-۱۲۰.

۲۸- Convention for the Supervision the International Trade In Arms and Ammunition

۲۹- ایران و جامعه ملل، ص ۱۳۶.

۳۰- تاریخ بیست ساله ایران: حسین مکی، ج ۳، ص ۳۵ و نیز مجموعه مقالات و
قراردادهای تاریخی دوره قاجاریه، به کوشش غلامرضا طباطبایی، انتشارات بنیاد
موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

۳۱- تاریخ و روابط سیاسی ایران و انگلیس: نوشته دکتر زرگر، ترجمه کاوه بیات، صص
۱۳۵ الی ۲۴۲.

۳۲- High Sea.

۳۳- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ص ۲۳۹ سند شماره ۸، نخست وزیری،
شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۴- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۵- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۶- اصل دریایی سرزمینی: ۱- حق حاکمیت دولت بر ماورای قلمرو خشکی و آبهای
داخلی تا منطقه ای از دریا که متصل به سواحل آن دولت است و دریای سرزمینی
خوانده می شود. ۲- این حق حاکمیت، با رعایت مقررات مندرج در این مواد و سایر
قواعد حقوق بین الملل اعمال می شود. ماده اول کنوانسیون دریای سرزمینی ۱۹۵۸
و نیز ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۳ حقوق دریایها (با افزودن آبهای مجمع الجزایری به
ذنبال آبهای داخلی)، ر. ک: حقوق بین الملل دریایها، رایین چرچیل و آئن لو، ترجمه
بهمن آقایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، صص
۱۱۸ و ۱۱۹. طبق قانون اصلاح قانون تعیین حدود آبهای ساحلی و منطقه نظارت ایران
(مصوب تیرماه ۱۳۱۳)، ۲۲ فروردین ۱۳۳۸/آوریل ۱۹۵۹، مواد یک و دو حاکمیت
ایران را در آبهای داخلی و کف و زیر کف دریای ساحلی به رسمیت شناخته است.
ماده سه، عرض دریای ساحلی ایران را از خط مبدا آبهای مرزبور، ۱۲ مایل دریایی
مشخص نموده و طبق تبصره، هر مایل دریایی مساوی با ۱۸۵۲ متر است. ر. ک:
همان، ص ۶۳۶.

۳۷- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۳۸- همان.

۳۹- همان.

۴۰- همان.

۴۱- اشاره به نظریات تقی زاده که قبلاً بیان شد.

۴۲- در جنبه، منظور عهدنامه دو جانبه میان ایران و انگلیس است.

۴۳- Protocol، توافق الحاقی یا متممی که به یک معاهده منضم و یا بعداً افزوده شده
است و یا صورت جلسه کنفرانسی که نمایندگان کشورها موافقت خود را با آن اعلام
نموده اند و یا سند امضای یک معاهده بین المللی که به آن پروتکل امضای گویند.
ر. ک: تنظیم معاهدات بین المللی، دکتر سید حسین عنایت، دفتر خدمات حقوقی
بین المللی، ۱۳۷۰، صص ۳۶-۳۵.

۴۴- اسناد نخست وزیری، شماره پاکت ۱۷۲۵، شماره تنظیم ۱۰۲۰۰۸.

۴۵- همان.

۴۶- همان.

۴۷- همان. (کلیه اسناد از آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران فراهم گردیده است.)

۴۸- تاریخ جامعه ملل، ص ۳۳۱.

۴۹- بازار اسلحه، آنتونی سمسون، ترجمه فضل الله نیک آئین، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲،
صص ۷۱-۷۰.

۵۰- ایران و جامعه ملل، ص ۱۲۹.

۵۱- Detournmant de Pourvoir.

۵۲- در هوای حق و عدالت: محمدعلی محمد، نشر کارنامه، ۱۳۸۱، صص ۳۷۵-۳۷۳.
۵۳- International Law, Rebecca m. wallace, London, Sweet Maxwell, ۱۹۸۶, P. ۲۳۵-۲۱۷.

۵۴- حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط بین الملل: دکتر سید جلال الدین مدنی،
انتشارات پایدار، ۱۳۷۷، صص ۲۰۳-۱۹۸.

۵۵- حقوق بشر و راهکار اجرای آن، دکتر حسین مهرپور، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸،
ص ۳۰.

نوعه (۱۱)

تاریخ ۱۳۰۸ / ۱ / ۲۴ ماه سنه ۱۳۰۸
نوعه ۱۱۹۴۰ ضمیمه



وزارت امور خارجه

اداره جودوس

دائرة

تعمیرات

مکتوبه شریفه در خصوص خرابی سقف و کف در محله ...
در خصوص تعمیرات ...
در خصوص ...

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره ۷۸۸۲
۱۳۰۸ / ۱ / ۲۴

در وقت ...
شماره ۱۱۹۴۰

شماره ۳۱-۱۰۰

۲۴ / ۱ / ۱۳۰۸

۱۳ / ۱ / ۱۳۰۸

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد..... نمره..... مورخه..... وزارت اداره که اصل آن بنمره..... ثبت شد.....

تعمیر این برادری که کتبها و کتابخانه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 صلاحتی که در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 صلاحتی که در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 صلاحتی که در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 صلاحتی که در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره

در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره
 در وقت جنگ و محاربه و غیره آنجا بود در وقت جنگ و محاربه و غیره

اداره.....

شماره (۶)



وزارت امور خارجه

شماره مورخه وزارت که اصل آن شماره ثبت شد

سرکار کابینه ایچ لغو شد هم از دربار مناسک رفع شود و مرتبه مناسک ایچ لغو شد
 مناسک را نند میران بر طرف صبح برانز از اتون لذت
 ایچ لغو شد آفرایم بیب رگ رگ در ایچ منزه ایچ لغو شد فراد نهادن بیب
 لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد
 در وقت قرابین ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد
 آن آنها لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد
 ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد
 ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد
 ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد ایچ لغو شد

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد..... شماره..... مورخه..... وزارت که اصل آن شماره..... ثبت شد

با این طرف لایحه ای که با نام گریه مندم است در تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۱۳۳۱ در وزارت امور خارجه
 رسید و در تاریخ ۲۰ شهریور در اطلاع آن صورت گرفت. در فاصله که در امور مندرج می آید بنده شخصاً
 رفتی معتمداً در جهت رسیدن به موضوع و معنی آن را در وقت بیعت و در وقت بیعت معتمد و در وقت بیعت
 است فلو ببار نیز سبق با هم گفته اند چه بر سر وجود در درگاه خود حضور آوردن در روز
 مراتب از این جهت که در ضمن در اطلاع آن اطلاع دارند. در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۳۱ در این جهت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

اداره.....



نونه (۶)

وزارت امور خارجه

سواد کتبی سند شماره مورخه ۱۳۰۴/۳/۲۱ - وزارت امور خارجه که اصل آن شماره ثبت شد

صدای شب غمگینت در نظری که گویم بدر صوفی بنوب به حضور که در نزد برادران گلشن درون بود
 و تبار بیست در سلامت هم و همرا خرد که در وقت که در صیحه گلشن بود نفس را بکنج و صیحه درسد و همه آفتاب در
 هم حضور دیدم حس تشنه و یقین داده که این گدازش به اتمام بهانه دردت بر بود بین گلشن در درین
 کله فدم کرد و در این روز خازم که در وقت است و همچنین در آنهم در به اول که در یاد گرفته تر نشسته
 بود حاضر بود و در روز که به کوه بود. بعد از آنم در وقت که به نیت بران در ترقیت علم مکتب
 محبت بود و گفت منس ساش و آفتاب است و ایک که در این شهر است به به به در زمان در این مکتب
 ترب نموده و در وقت محبت بزرگ آموخ هم و در این در در این صورت بگرد باز بگردد و در سطر است گلشن
 گفته تر که که را که بکنند به حقایق را خوب تر به نیت به در این در زمان نطق نیت خواهد نضر در وقت
 در آن بود که - - محبت نیز حرف نده نسبت به بنده این محبت در آن در وقت در روز که این محبت
 در آن نیت به برآمده و نیت نیت در وقت در وقت محبت گلشن به بران در وقت در وقت محبت
 مکتب تر و در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت
 در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت
 در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت در وقت

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد.....نمره.....مورخه.....^{وزارت} که اصل آن بنمره.....ثبت شد

- ۳ -

پناه فرزند که در تب دولت و محله را که بنی مکتفی میر است در اینجا اظهار نمیم به رئیس الوزرا
 محبت زید کرم و ده روز صحت خود در ایران - و میر من حدت نزد به آقا رئیس الوزرا در
 آنجا که در صوم بترفت - وضع صحیح بیدر اوله بود و در این زمانت جس و فرزند که بیافته
 در روز عصر در کفرنجج ضیح ایران را فرود فرزند که تفهم روح فکرت ترقیت اینج دران
 در هر زینه تحت قوه بزرگان اینجیرت است و اینست و در اینست به در زمانه فرود
 میر روزانه ترس به خرد دولت که رئیس الوزرا هم فرود بود فکرت رئیس الوزرا سفر بود و
 خدمت آن و فرزند چون شهر شهر کند تا آنکه است را در جواب نشتر گزانه آیه در طهران بیانه
 رئیس الوزرا را نشتر نموده بود بر تال قرطبه علوم انسانی

اداره.....

نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

سواد کتبی سند شماره..... مورخه ۱۴۰۳/۰۳/۰۴ وزارت امور خارجه که اصل آن شماره..... ثبت شد

دیند بس گفتن بسید قرب خاتمه یافته رحمت زین بود شرح ترقیت دران در هر غیر بدین
 درود صاحب روزانه آس نیویب را نه روز داد به نظر نه در به بود هم جلوه است و همش هم در
 بود رئیس اندام حضرت دانت رحمت زین کردیم در صلیح مجلس در دفعه هفتم دست نهادیم نیز
 به ساریه و وزیر صیغ محبت هم فردا نیز به سادف کس در دستکارم عتبات شد و در به این سارنگی
 شنبه صبح به پاریس روز پنج به زفر برود بلد که به اینک در رحمت بود بریم مدرسه دل کجا داشته خدی
 در مذکرت به در نظر نیامد به بر بودیم هم دمنده در ترقیت غیر دران بیانات اینجانب را صرفه کرد
 در بعضی ترجمه هم صادر کرده اند . آتم زنده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۹

نوع (۶)



اداره اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سواد	نوع	مورخه	وزارت که اصل آن بنمره اداره	تعداد
------	-----	-------	-----------------------------	-------

خلاصه ترجمه طرح آقای مهسگ ریاض

در خارج فارس و خلیج عمان مفتوح کتنبهاثیکه دارای بیرون ایران باشد بدون رعایت ذوقیه آنها با قوای بیرون شاهنشاهی است و مفتوح کتنبهاثیکه دارای بیرون انگلیس باشد بدون رعایت ذوقیه آنها با قوای بیرون انگلیس است .

دولتین نامه رکنتهای کمتر از یازده تن خرد حوازی رسمی بیرون مدهد .

نمیتد به کتنبهای کمتر از یازده تن دولت و یا کتنبهاثیکه دارای هیچ بیرونی نیستند تجارت و مکنس بسیده کشینان جنگی ایران را انگلیس مرد در احمد برده .

حق نظارت نمیتد به کتنبهاثیکه دارای حوازی رسمی هستند مکنس به وفتیر بیرواست لا غیر .

در آراء ساحلی مفتوح کامل کلیه کتنبها پمده دولت مالک آن آبهای ساحلی خواهد بود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۸۱



نوع و عدد
شروع سند
ضمیمه
مشمول بک نویس

کافیہ ریاست وزراء

کتاب
دوسہ

تاریخ تحریر: ماه تاریخ بک نویس: ۱۳۰۱ / ۲ / ۱

در وزارت علم و ارشاد
پریمی ۲۷۴۲
۱۳۰۱ / ۲۱
رامع سنی ہفت ہفتہ گوارت ایران از
امیر آقا قاسم خان و خان آقا سزا در اہمن خان ذوقی داماد آقا سزا
در کتب این فنغ سید در وہی کدور در موصول ہنہ در فقیرت صہار

امیر آقا سزا
۱۳۰۱ / ۲۳

مکتب

پڑوش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی